



Woman in Culture and Arts

The Structure of Gender and Contradictory Masculinity in Oral Literature

Somayeh Arab Khorasani^{1✉} | Tahira Sadat Maleki²

1. Corresponding Author, Assistant Professor, University of Religions, Faculty of Women and Family, University of Qom, Qom, Iran. Email: s.khorasani@urd.ac.ir
2. PhD Candidate of Women's Rights in Islam, University of Religions, Faculty of Women and Family, University of Qom, Qom, Iran. Email: thmaleki@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 5 March 2023 Received in revised form: 18 June 2023 Accepted: 7 April 2024 Published online: 30 March 2025 Keywords: <i>Family, Gender, Iran, Masculinity, Proverb.</i>	It is feasible to investigate oral culture and proverbs in order to comprehend the elements of Iranian men's masculinity as a field of men's studies. Men's studies is a new, emerging discipline within the fields of sociology and gender studies that has made significant strides in the understanding of men, including their behavior, expectations, attributions, and inherent identity. It is crucial to analyze proverbs because they serve as a conduit between the researcher and popular culture, enabling the researcher to gain a comprehensive understanding of the societal members' perspectives. The content analysis method was employed to conduct this qualitative research. 803 proverbs were selected and analyzed in this study, with the following keywords: man, spouse, son-in-law, uncle, father, and son. The analysis of the content of proverbs resulted in seventy-eight sub-components out of ten general components. The centrality of the general component "Masculinity as a contradictory phenomenon" was ultimately determined. The paradoxical issue of masculinity originates from an unclear situation that means that it is unclear when men have been characterized by these traits and whether there has ever been a time when men exhibited distinct masculinity behavior. The second facet of masculinity as a contradictory entity is the opposition and conflict with women. It is the site of investigation into the reasons and processes that result in a divergent and contradictory understanding, ultimately resulting in an opposition. Consequently, numerous evidences have been presented.
Cite this article: Arab Khorasani, S., & Maleki, T. S. (2025). The structure of gender and contradictory masculinity in oral literature. <i>Woman in Culture and Art</i>, 17(1), 39-56. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2023.356152.1900	
 © The Author(s). Publisher: The University of Tehran Press. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2023.356152.1900	



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

ساختار جنسیت و مردانگی در ادبیات شفاهی

سمیه عرب خراسانی^۱ | طاهره سادات ملکی^۲^۱. نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: s.khorasani@urd.ac.ir^۲. دانشجوی دکتری حقوق زن در اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: thmaleki@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	در راستای شناخت مؤلفه‌های مردانگی مرد ایرانی و به‌عنوان حوزه‌ای از مطالعات مردان، می‌توان به فرهنگ شفاهی و مثل‌ها پرداخت. مطالعات مردان یکی از حوزه‌های نوظهور مطالعات جامعه‌شناسی و جنسیت است که در جهت شناخت بیشتر مردان و بررسی رفتار، انتظارات، انتسابات و هویت ذاتی مردانه گام مؤثری برداشته است. بررسی مثل‌ها از آن جهت اهمیت دارد که پل ارتباطی میان محقق و فرهنگ عامه و شناخت هرچه بیشتر عقاید اعضای یک جامعه است. این پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. در این پژوهش ۸۰۳ مثل با کلیدواژه‌های مرد، شوهر، برادر، دایی، عمو، پدر، پسر و داماد انتخاب و بررسی شدند. تحلیل محتوای مثل‌ها به تعداد هفتادوهشت زیرمؤلفه از ده مؤلفه کلی منجر شد و در نهایت با محوریت مؤلفه کلی «مردانگی به‌مثابه امر متناقض» به سرانجام رسید. امر متناقض مردانگی خصوصیتی دارد که از جمله آن می‌توان به آغاز آن از وضعیتی غیرروشن اشاره کرد. ناروشتی و ابهام مردانگی به آن معناست که مشخص نیست از چه زمانی مردان به این صفات متصف شده‌اند و آیا زمانی بوده است که مردان رفتار مردانگی متفاوتی با زنان داشته باشند. وجه دوم مردانگی به‌عنوان امر متناقض تقابل و تخالف با زنان است. این مهم از آن جهت محل بررسی است که به چه دلیل و در چه فرایندی متفاوت‌بودن به معنای دوری حداکثری فهم است و در نهایت آنچه تفاوت فهم شده به تقابل تبدیل شده و برای آن شواهد متعددی نیز ارائه شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰	
کلیدواژه‌ها:	
ایران، جنسیت، خانواده، مثل، مردانگی.	

استناد: عرب خراسانی، سمیه و سادات ملکی، طاهره (۱۴۰۴). مقدمه‌ای بر ساختار جنسیت و مردانگی متناقض در ادبیات شفاهی. زن در فرهنگ و هنر، ۱۷(۱)، ۳۹-۵۶.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.356152.1900>DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.356152.1900>

© نویسندگان

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

زندگی اجتماعی نیازمند نظم و ترتیبی است که امنیت هستی‌شناختی^۱ کنشگران را فراهم می‌کند. امنیت ناشی از عادات و رسوم است که زندگی را پیش‌بینی‌پذیر کرده و فرصت و فراغت جهت رسیدگی به دغدغه‌های دیگر را ممکن می‌سازد.

از جمله سازمان دهنده‌های نظم زیست، ساختار جنسیت است. ساختار جنسیت که اکنون و در مطالعات متأخر جامعه‌شناسی و خانواده به عنوان متغیر مستقل مؤثر شناخته می‌شود، یکی از عوامل اساسی در تألیف شیوه زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی است. جنسیت به عنوان مجموعه تکالیف و انتظارات اختصاصی از صاحبان جنس بیولوژی مربوطه، نظامی از رسوم را برای زنان و مردان^۲ ایجاد و زنانگی و مردانگی^۳ را در آنان رقم می‌زند. صرف‌نظر از نگاه طبیعی یا برساختی که مشروعیت، مقبولیت و انعطاف یا ثبات را در ارتباط میان جنس و جنسیت تبیین می‌کند، ساختار جنسیت رویه اصلی و اساسی را در زیست افراد رقم می‌زند که آغاز آن در عرصه خصوصی و ادامه مانای آن در عرصه عمومی قابل ردگیری است. به نظر می‌رسد این ساختار چه ریشه در بیولوژی و طبیعت داشته باشد (نگاه طبیعی و دین محور) و یا به آن منتسب و گره خورده باشد (نگاه برساختی و فرهنگ محور)، تأثیر شگرفی در تعیین نحوه زیست افراد از طریق شکل دادن به زنانگی و مردانگی داشته و دارد. گسترش مفهوم جنسیت که در ابتدا تنها شامل زن و زنانگی بود (Danon, 2018: 13). پس از موج دوم فمینیست مردان و مردانگی را نیز در بر گرفت. همچنین تحت تأثیر این تحولات مفهوم جنسیت به نحو جدی مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته و موقعیت آن از متغیر وابسته به ساختار مستقل ارتقا یافت.

ساختارهای اجتماعی ناپیدا هستند. حضور دورکیمی آنان در سه ویژگی عینی، بیرونی و تحمیل شونده به عنوان یک رویداد اجتماعی، از طریق دیگر رویدادهای اجتماعی قابل آشکارسازی و تبیین است. ساختار جنسیت و ابعاد آن از این امر مستثنا نیست. مطالعه ساختار جنسیت و محتوای مؤثر آن حوزه‌های متعدد قابل بررسی است: فرهنگ، فرم و نهاد خانواده، سیاست، اقتصاد و ...؛ از آن رو که جنسیت به عنوان ساختار پایه در تمامی این ساختارها و نهادها حضور دارد. آنچه مورد نظر این نوشتار است بررسی محتوای ساختار جنسیت در اختصاص مردانه آن از مجرای فرهنگ است. از میان حوزه‌های متعدد فرهنگ، این نوشتار به حوزه فرهنگ شفاهی و ضرب‌المثل‌ها نظر دارد. ضرب‌المثل

1. Ontological security

2. female & male

3. Femininity & Masculinity

به عنوان بیان نغز کوتاه با امکان آهنگین بودن است که معانی مهم و اساسی را در غیاب سواد نوشتاری و فرهنگ مکتوب از طریق جامعه‌پذیری عمومی و جنسیتی به نسل‌های پس از خود منتقل می‌کند (Mokhtab, 2006: 147 as cited in Masoomi & Rahiminejad, 2012:136). ضرب‌المثل‌ها مفاهیم بی‌زمان، بی‌مکان و بدون پدیدآورنده مشخصی هستند که می‌توانند به اتکا قدرت حافظه و تکرار آن در نسل‌ها مفاهیم ضمنی‌شان را در تاریخ زنده نگاه دارند (Ibid, 150). ضرب‌المثل‌ها حاوی مفاهیم انتزاعی هستند که محتوای ذهنی گذشتگان را برای ما آشکار می‌کنند (Zolfaghari, 2012: 3). قدرت و زنده‌مانی ضرب‌المثل‌ها در حدی است که حتی با تغییر پارادایم از سنت به مدرنیته و فراگیری فرهنگ مکتوب همچنان می‌توان آموزه‌هایش در زمان حاضر یافت (Mihan Doust, 2001:16 as cited in Mohammadpur, Karimi & Maarooftpur, 2012,).

مطالعه ضرب‌المثل‌ها به عنوان یک فراورده اجتماعی- فرهنگی می‌تواند محتوای ساختار جنسیت را در هر دو حوزه زنانگی و مردانگی آشکار سازد. زنانگی و مردانگی به عنوان فراورده طبیعی یا برساختی ساختار جنسیت در تجویزات، هنجارها، بازدارندگی‌های توصیه شده به زنان و مردان در ضمن ضرب‌المثل‌هایی که به خانواده، معیارهای زنانگی و مردانگی مطلوب و معیار پرداخته‌اند، قابل مطالعه است. زنان موضوع بررسی‌های متعددی در بستر ضرب‌المثل‌ها بوده‌اند. تک‌جنس محوری حاکم بر این مطالعات ناشی تنها زنان را شامل بوده است اما اکنون که جنسیت شامل مردان و مردانگی (ها) نیز می‌شود (Boyed, Longwood & Muesse, 1996)، این خلأ دانشی نیازمند پژوهش و بررسی است. این اهتمام دقت پیشینی را نیز در ضمن خود دارد مبنی بر آنکه پیش از آنکه همانند حوزه مطالعات زنان درگیر ادبیات وارداتی از پژوهش‌ها و نظریه‌پردازان غیربومی در حوزه مردانگی شویم، به مطالعه مستقل و تولید دانش و نظریه بومی در حوزه مطالعات مردان اهتمام و اقدام شود.

۲. پیشینه پژوهش

مرور پژوهش‌های موجود در حوزه جنسیت و ضرب‌المثل بیانگر آن است که تمرکز پژوهشگران بر زنان، زنانگی و خانواده بوده و مردان و مردانگی مورد توجه واقع نشده است. در یک تقسیم‌بندی کلی پژوهش‌های موجود در حوزه جنسیت و ضرب‌المثل را به سه بخش کلی قابل تقسیم است: ضرب‌المثل و خانواده، ضرب‌المثل و جنسیت و زن و ضرب‌المثل‌های اقوام.

در حوزهٔ مثل و خانواده، ذوالفقاری (۱۳۹۱) در «خانواده و روابط خانوادگی در مثل‌های فارسی» نشان داد حجم مثل‌های مربوط به زنان بیشتر از مردان و مرد خانواده مورد احترام و منتقل‌کنندهٔ صفات ارزنده به فرزندان است. زندی و عباسی (۱۳۹۴) در «بازتاب روابط خویشاوندی در مثل‌های فارسی» دریافت پدر و فرزند مورد تأکید قرار دارند. ارشادیان (۱۳۹۵) در «بررسی جامعه‌شناختی نگرش به نقش‌های جنسیتی با تأکید بر فرهنگ عامهٔ مثل‌ها» به این نتیجه رسید که فراوانی مثل‌هایی که به ظاهر زن و زیبایی او توجه دارند بی‌شمار است، اما مردان همین که مرد باشند کفایت می‌کند. چراغی و ابراهیمی (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی با عنوان «فرض‌ها و معیارهای ایرانیان دربارهٔ ازدواج و روابط زناشویی: تحلیل کیفی مثل‌های ایرانی» نشان داد ملاک برای انتخاب دختر به‌عنوان همسر بیش از انتخاب شوهر است.

بخش دوم پیشینهٔ پژوهش به مثل و جنسیت مرتبط و متمرکز بر زنان است. برزگر (۱۳۸۹) با «تحلیل و بررسی جایگاه زن در مثل‌های فارسی (مبنتی بر امثال و حکم و دهخدا)» نتیجه گرفت زن دارای دو چهرهٔ مثبت و منفی است و بیشتر با صفاتی چون خیانت، بی‌وفایی، مکاربودن، دورویی و... شناخته می‌شود. باقری (۱۳۹۱) در «زن در آئینهٔ مثل‌های ایرانی» زن خوب را همراه با جامعهٔ مردسالار معرفی می‌کند. رضایی و ظاهری عبده‌وند (۱۳۹۳) در بررسی «جایگاه زن و خانواده در مثل‌های بختیاری» به این نتیجه رسیدند که نقش سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قومی زنان در مثل‌ها نادیده مانده است. امین‌الرعایا و همکاران (۱۳۹۳) با «بررسی ویژگی‌های منتسب به زنان در مثل‌های فارسی» دریافتند در مثل‌ها تصویر منفی زنان برجسته‌تر است. قبادی و حیدری (۱۳۹۹) نیز در مقالهٔ «برساخت و بازنمایی هویت‌های جنسی در مثل‌های لکی» (۱۳۹۹) نشان دادند مردان در عاقل‌مندی و کارآمدی بر زنان برتری دارند و فرزندان ذکور پرچمدار خانواده هستند.

بخش سوم و نهایی به بررسی زن در مثل اقوام پرداخته‌اند. عزتی (۱۳۹۵) در بررسی «جنسیت‌گرایی در زبان‌های فارسی، ترکی و گیلکی با نگاهی به زن در مثل‌های این سه گونهٔ زبانی» مشخص کرد زن در مثل‌های فارسی در اکثر موارد منفی و تحت تأثیر نظام مردسالار، در مثل‌های ترکی خنثی و در جامعهٔ گیلک منفی بوده است. حیدری و همکاران (۱۳۹۶) در «واکاوی مفهوم زن در مثل‌های لری با تأکید بر بعد نابرابری جنسیتی» به این نتیجه رسیدند که زن موجودی سطحی‌نگر، حقیر، ابزارگونه، اطاعت‌پذیر، فتنه‌گر و سخن‌چین است. علی‌مرادی (۱۳۹۹) در مقالهٔ خود با عنوان «بازنمایی هویت زن در مثل‌های لکی» به این یافته اشاره کرد که جهان این مثل‌ها عمدتاً جهانی مردانه است و زنان در کنار مردان هویت می‌یابند.

در مجموعه مرور پژوهشی و یافته‌های حاصل از آن و به عنوان نقطه تمایز نوشتار حاضر با آنچه گزارش شد، دو نکته مدنظر است. نخست آنکه پژوهش حاضر متمرکز بر مطالعه مردان و مردانگی (تحت ساختار جنسیت) در ضرب‌المثل‌ها است بر خلاف پژوهش‌های پیشین که بر زن، خانواده یا مقایسه زنان با مردان پرداخته است. نکته دوم آنکه در ضمن این مطالعه به ارائه نظرگاه جدیدی از ساختار جنسیت و ارتباط آن با مردانگی می‌پردازد که در پژوهش‌های بررسی شده اشاره‌ای به آن نشده است. در مجموعه پژوهش‌های انجام شده جنسیت معادل زنانگی و خانواده به عنوان جایگاه زن و نقش‌های زنانه در نظر داشته شده‌اند اما در این پژوهش جنسیت به معنای زنانگی و مردانگی و خانواده به عنوان کنش متقابل میان زنان، مردان و ساختار جنسیت اشاره دارد.

۳. چارچوب مفهومی

مردانگی در جامعه امروز ایرانی نیاز به مطالعات تاریخی و اجتماعی دارد؛ زیرا مردان در برابر تغییرات زنان و فرایندهای اجتماعی مقاومت کرده‌اند و آسیب‌هایی را سبب شده‌اند (Jamshidieha, Sadeghi Fasaei, & Loola Avar, 2013: 191-192; Ghasemi, Arab Khorasani, & Rabani Khorasani, 2019; Arab Khorasani, 2020).

مطالعات مردانگی حاوی چند مفهوم اصلی و اساسی است که این مطالعه در پی بررسی آنها در جامعه ایرانی است. چنانچه اشاره شد جنسیت در ابتدای پیدایش این مفهوم زنانه تلقی می‌شد. مردان شامل مفهوم جنسیت نبودند چرا که آنان نمونه‌ی کامل انسانی تلقی می‌شدند که انتظارات و رفتارهای آن مطابق با طبیعت بیولوژیکی و انتظارات وابسته آن است. اعتراض زنان به انتظارات بیش از توان خود در مورد مردان مصداق ندارد.

مطالعه جنسیتی مردانگی بر حسب آنکه نمونه کامل انسانی تلقی می‌شدند که انتظارات و رفتارهای آن مطابق با طبیعت بیولوژیکی است. مردان از مردانگی خود رضایت دارند و آنچه انجام می‌دهند چیزی است که از آن‌ها انتظار می‌رود. مطالعات جنسیت با تأکید بر «موقعیت ساختاری» جنسیت و در تقاطع با متغیرهایی چون جنس، فرهنگ، دین و... (Hill Collins, 2015; Larson, 1994 & Holman) این ادعا را زیر سؤال برده و علاوه بر زن، مرد را نیز تحت تأثیر ساختار جنسیت می‌داند (Kimmel, Hean, & Connell, 2005).

مردانگی در این تعریف به معنای نبود ربط غیرقابل گسست میان انتظارات و وضعیت بیولوژیکی مذکر است؛ به این معنا که مردان نیز همچون زنان می‌توانند محصول^۲ تجویزهای ساختار جنسیت

1. Structural position

2. Conduct: men as gendered persons

باشند (Connell, 2005: 38)؛ ساختاری که گفتمان‌های قدرت دال‌های مرکزی‌اش را شکل داده است. به این ترتیب می‌توان پرسید آیا مردان مردانگی را تعریف می‌کنند یا مردانگی مردان را (Gardiner, 2002).

مردانگی بر دو اصل استوار است: در ارتباط با زنانگی^۱ و در تخالف با صفات زنانه (Connell, 2005: 43). خارج کردن صفات زنانه از مردانگی و نیاز هویت مردانه به ابژه‌های تابع در ادامه این دو اصل شکل می‌گیرد (Connell, 2005: 223).

مردانگی اغلب با صفات و انتساباتی تعریف می‌شود که غیر زنانه و بر اساس تقابل و تخالف با آنان است. بر این اساس مردانگی در ارتباط با زنان تعریف می‌شود. مردان زنان را تعریف می‌کنند و این تعریف مبتنی بر آنچه مردان نمی‌خواهند به آن منتسب باشند، صورت می‌گیرد. بر این اساس مردانگی بر دو اصل استوار است: در ارتباط با زنانگی^۲ و در تخالف با صفات زنانه (Connell, 2005: 43).

قدرت از صفات مردانگی شناخته شده و مردان قدرتمند شناخته می‌شوند. از آنجا که مطابق نظر فوکو، قدرت نیازمند کم قدرت‌ها یا بی‌قدرت‌هایی^۳ است که قدرت و سوژه قدرتمند را تعریف کنند، مردانگی به‌طور کلی نیازمند ابژه‌های کم‌قدرت یا بی‌قدرت است. این ابژه‌ها در تعریف مردانگی شامل زنان و مردان زن‌صفت هستند. زنان اجازه خروج از ساختار جنسیتی را ندارند؛ چرا که در این خروج، مردان دچار بحران هویتی می‌شوند؛ چنان‌که کانل، گیدنز و سگالن بحران مردانگی مرد امروز را به‌دلیل تغییر هویت زنان و خروج از صفت و سامان جنسیتی تعریف شده برای آنان می‌دانند (Segalen, 2009: 286; Giddens, 2007: 177). به این دلیل است که تلاش بسیاری جهت نگاه‌داشتن زنان در تطابق با نظام نقش جنسی و موقعیت تبعی آنان انجام می‌شود، اما سؤال اینجاست که اگر زنان به‌طور طبیعی از مردان پایین‌تر هستند چرا تا این میزان آموزه‌هایی برای القای این زیردستی وجود دارد (Gardiner, 2002: 39).

به نظر می‌رسد میان مردانگی تجویزی و مردانگی به عنوان یک صفت انسانی تفاوت‌هایی وجود دارد. مردانگی در صورت حاضر علاوه بر مردان، زنان را نیز در اختیار خود دارد. آنچه مردانگی را در دوگانه ارتباط و تخالف با زنان تعریف می‌کند، قدرت و فرهنگ از منظر مردان است. خروج از معیارهای مردانگی خطر داغ ننگ برای مردان ایجاد کرده و آنان را وامی‌دارد در مسیر معیار حرکت

1. Femininity- in- relation
2. Masculinity- in- relation
3. Less power & Powerless

کنند؛ اگرچه در دهه‌های اخیر تحولات هویتی و رفتاری مردان حکایت از رد شدن برخی از مردان از مرزهای معیار دارد.

از آنجاکه پژوهش‌های مردانگی متولد فرهنگ‌های دیگر است و عطف توجه به لزوم بررسی مردانگی در حیطه‌های بومی، این پژوهش با هدف بررسی مؤلفه‌های مردانگی در ضرب‌المثل‌ها و استخراج صفات و ویژگی‌های منتسب به مرد ایرانی طراحی و اجرا شده است. نتایج این پژوهش می‌تواند گام اول در راستای مقایسه صفات مرد ایرانی در ادبیات عامه و مقایسه آن با تصویر معیار مردانگی در ادبیات اسلامی باشد. از آنجاکه بخشی از مسائل و دشواری‌ها میان زنان و مردان ایرانی ریشه در آموزه‌های تکرارشونده در فرهنگ شفاهی دارد، با استخراج این مؤلفه‌ها می‌توان آنها را جهت بحث و بررسی دقیق‌تر و همچنین ارائه راهکارهای تغییر رویه‌های نادرست مورد استفاده قرار داد.

۴. روش پژوهش

این پژوهش به شیوه کیفی، با روش تحلیل محتوا و با هدف استخراج مؤلفه‌های مردانگی در مجموعه مثل‌های جنسیتی زبان فارسی انجام شده است. این مجموعه شامل ۱۸۰۹ مثل است که ۱۵۴۷ مثل مستخرج از تمامی مقالات و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و ۲۶۲ مثل مکمل و جافتاده از کتاب‌های مرجع هستند که با کلیدواژه‌های مرد، شوهر، پدر، داماد، برادر و پسر، دایی و عمو از سایر مثل‌ها تفکیک شدند که تعداد آن‌ها در نهایت شامل ۵۲۵ مثل مردانه شد. با توجه به موضوع تحقیق، مثل‌های زنانه‌ای نیز در فرایند بررسی باقی ماندند؛ زیرا زن جنس مکمل مرد است. مراحل استخراج مؤلفه‌ها به قرار ذیل است: فهرست مثل‌ها، مطالعه و یادداشت نکات و تعبیر آن‌ها؛ مطالعه چندباره و دسته‌بندی اولیه؛ چرخ و تعدیل و در نهایت دسته‌بندی نهایی. پس از آن مقوله‌های پژوهش شکل گرفت. با مطالعه مکرر، چندین بار جدول دسته‌بندی تغییر شکل داد تا طرح نهایی به دست آمد. برای حفظ پایایی در مرحله نهایی مطالب بازبینی شدند و در نهایت مثل‌های مربوط به هر دسته در حوزه مقوله مرتبط قرار گرفتند.

۵. یافته‌های پژوهش

مطالعه مثل‌های جنسیتی با هدف استخراج مؤلفه‌های مردانگی در نهایت با محوریت مؤلفه کلی «مردانگی به مثابه امر متناقض» به سرانجام رسید. مردانگی به مثابه امر متناقض به آن معنای هویتی است که در آن عناصر متضادی وجود دارد؛ هویتی که براساس ارتباط تقابلی و تخالفی تعریف شده

است. براین اساس مردانگی هویتی با تمایل به نزدیکی و دوری هم‌زمان از دیگری^۱ است. مردان زنان را می‌خواهند، اما آنان را کم‌مقدار می‌شمارند؛ عاطفه زنان را می‌خواهند، اما به همان جهت آنان را غیرقابل اطمینان می‌شمارند؛ زنان را دارای طبیعتی لطیف می‌شمارند، اما بر آنان خشونت روا می‌دارند؛ زنان را مدیر درون خانه و مسئول حفظ دارایی مرد می‌دانند، اما توصیه به عمل برخلاف توصیه زنان می‌کنند؛ به ازدواج و زندگی خانوادگی برای ادامه حیات متشخص اجتماعی نیاز دارند، اما آن را هزینه‌کردی بیش از سود و فایده آن می‌دانند و... .

جدول ۱. مردانگی به مثابه امر متناقض

خصوصیات کلی		خصوصیات مرتبط مستقیم	خصوصیات ظاهری	کفایت جنس
		مستقیم	مثبت	مثبت
			منفی	منفی
		خصوصیات ممنوع	خصوصیات منع شده (زنانه)	زن نبودن
خصوصیات (نقشی) خانوادگی	نقش‌های محوری	پدر	شوهر	اصالت پدر
				اهمیت فرزند
				۱. معنای شوهری
				۲. تشکیل خانواده از منظر مردان
				ازدواج و زن گرفتن از منظر مردان
				تکمیل شخصیت مردانه
				عدم تناسب هزینه و فایده
				معیارهای همسر زن خوب
				مطلوب زن ناخوب
				۳. مسئول اقتصادی تشکیل خانه
				۴. امکانات شوهری امکان و فرصت ازدواج مجدد امکان و فرصت طلاق
				۵. مسئول تربیت زنان نحوه برخورد با زنان اجازه خشونت
	نقش‌های واسطه‌ای	پسر برادر		اهمیت فرزند مذکر
				نشانگر خواهر حمایتگر تکیه‌گاه

خصوصیات کلی	خصوصیات مرتبط	خصوصیات ظاهری	کفایت جنس
		دایی و عمو	مذکر سببی حامی
		داماد	مذکر تحمیلی

مردانگی به مثابه امر متناقض در ضمن مثل‌ها در دو دسته کلی خصوصیات کلی و خصوصیات خانوادگی (نقشی) جای گرفته است. خصوصیات کلی شامل دو دسته خصوصیات مرتبط و خصوصیات ممنوع به صفات کلی مردانگی در دو بخش ظاهری و درونی می‌پردازد. خصوصیات (نقشی) خانوادگی در دو بخش کلی نقش‌های محوری (پدر، شوهر) و نقش‌های واسطه‌ای (پسر، برادر، دایی، عمو و داماد) دسته‌بندی شده‌اند.^۱

خصوصیات ظاهری مربوط به ظاهر مردان و آراستگی است. زیبایی مردان اهمیت ندارد و صرف مرد بودن کافی است. مرد فقط مرد باشد کفایت می‌کند. مرد باید آنقدر زشت باشد که زن از او رم کند. مردان همچنین باید خصوصیات درونی چون سنجیده و کم‌گوی (یا سخن دانسته گوی ای مرد بخرد یا خاموش)، توانا در حل مسئله (پیا و تش کور کن بو: مرد باید آتش خاموش کن باشد)، پابندی به قول (قول مرد جان دارد)، عاقبت‌اندیشی (مرد آخرین مبارک بنده‌ای است)، اصالت (سرمایه مرد مردانگی است)، سخاوت (مرد باید در خانه را با پاهایش باز کند)، پرتلاش (مرد باید دست به پشتش بزی خاک بلند شود)، خوش‌برخورد (مرد خندان دل‌مباشی مرد سندان دل‌مباش) و غیرتمند (زینت زن عفت است، زینت مرد غیرت) باشد.

مردان دارای خصوصیات درونی منفی نیز شمرده شده‌اند: کم‌فایده‌گی (مردان خوبشان برای توی دیگ خوب‌اند و بدشان زیر دیگ)، اتصاف به خصوصیات زنانه (به یکی گفتند مردی وایسا گفت زنم درمی‌روم)، غیرقابل‌اعتماد بودن (به ک...ن بچه می‌شود اعتماد کرد به مرد نمی‌شود)، دخالت در حوزه‌های غیرمرتبط (اگر مرد می‌توانست بچه‌داری کند می‌زاید)، اکتفا به خصوصیات نرینگی (اگر مردی به ریش است بز هم ریش دارد) و درنهایت زن‌نبودن شامل دوری از آرایش زنانه (خودآرایی عادت زنان است، نه مردان میدان)، حرف‌شنوی از زن (عیال زن خویش باشد هر آن کس که فرمان بر زن کند خویشان را)، وابستگی به زن (برای یک دمه شهوت که خاک بر سر آن / بزبون شدن آیین شیرمردان نیست) و گفت‌وگو با زنان (از مردم سرفراز نزدیک که با زن نشیند به راز).

۱. به جهت محدودیت تعداد واژگان و صفحات مقاله برای هریک از مفاهیم به ارائه یک مثل اکتفا شد. جهت مطالعه تفصیلی و فهرست مثل‌ها به رساله کارشناسی ارشد مؤلفه‌های مردانگی در مثل‌های ایرانی (۱۴۰۱)، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده زن و خانواده به راهنمایی و نویسندگی نویسندگان این مقاله مراجعه شود.

دومین دسته خصوصیات نقشی و مرتبط با خانواده است که به دو بخش نقش‌های محوری و نقش‌های واسطه‌ای تقسیم می‌شود. نقش‌های محوری که در مردان را مرکز و محور خانواده قرار می‌دهد، شامل پدری و شوهری است. آنچه در ادبیات عامه به چشم می‌خورد و نقش پررنگی دارد اصالت پدر است (اصل کاری پدر که مادر رهگذره). نسبت، نسب، ارث و حتی نام فامیل از طریق پدر برای فرزندان مشخص می‌شود. پدر تا حدی اهمیت دارد که او را خدای خانه معرفی کرده‌اند (پدر خدای خانه است). برای پدر شدن یک مرد نیاز به فرزند دارد. اهمیت فرزند را پسر بودن او دوچندان می‌کند (پسر اگر به پدر نبود اجاق کور است).

دومین نقش محوری مردان شوهری است که بیشترین تعداد مثل (۳۱۱ مورد) را دارد. شوهر در معنای خدای کوچک و معنابخش به زنان (زنان را نیست چیزی بهتر از شوی)، نظم‌دهنده به خانواده (خانه‌ای که مرد در آن نیست سگ و گربه‌اش به هم زور می‌گویند)، قوام‌دهنده به خانواده (خانه‌ای که مرد در آن نباشد نه چراغش نور دارد نه پلویش بو).

ازدواج مسئله مهمی است که به تکمیل شخصیت مردانه و گسترش دایره خویشان منجر می‌شود. تکمیل شخصیت مردانه در دو بعد فردی و اجتماعی مدنظر است. بعد فردی به سه شاخه دینی (زن بگیر تا نصف ایمانت حفظ بشود)، اقتصادی (مرد رود است و زن رودبند) و شخصیتی (پسر بی‌لیاقت به درد نمی‌خورد زنش بدهید تا مرد شود) و بعد اجتماعی به دوشاخه گسترش دایره خویشان (اسب نباشد راه نیست، زن نباشد ایل و طایفه نیست) و گسترش سرمایه نمادین (خان له خانمه و خانم له خانه: اعتبار و احترام خان به واسطه زن و اعتبار زن نیز به واسطه مرد است) تقسیم می‌شود. مؤلفه عدم تناسب هزینه و فایده ازدواج است که هزینه با آورده همخوانی ندارد. این نگاه منفی به ازدواج سه زیرشاخه اقتصادی (عروسی با قرض و قوله، صبح پاتختی‌اش مثل شب اول قبر می‌ماند)، جنسی (نامزد داری لذت داری، زن داری ماتم داری) و شادی و آرامش (غم نداری، زن بگیر) اشاره دارد.

دیگر مؤلفه شوهری، تعیین معیارهای همسر خوب است، شامل: ویژگی‌های کلی (زن خوب وزیر مرد است)، باکرگی (اگر با زن بیوه چهارده ساله ازدواج بکنی، باز هم دختر بکر نمی‌شود)، توانمندی (مرد را زن صاحب خانه و زندگی می‌کند)، سرمایه جنسی (زن خوشگل بگیر اگر کاری هم درآمد شانس آوردی)، اولویت‌بخش به شوهر (زن خوب مقام شوهر را با برادر عوض نمی‌کند؛ زن باید مطیع مرد باشد).

زنان ناخوب چهار خصوصیات دیگری نیز دارند: زن بیوه (بیوه‌زن مایه‌دار جگرو می‌کنه کباب)، مسدودکننده زندگی مرد (مرد به پاری می‌آورد و زن به جارو بیرون می‌ریزد)، غیردلخواه مرد (همسر

ناجور وصله ناهم رنگ است) و خصوصیات زشت رفتاری شامل (دهن زن شل است) و استفاده از ابزارهای زنانه (زن اگر گریه رو نداشت معلوم نبود چی چی داشت).

مؤلفه سوم شوهری مسئول اقتصادی خانه است. برخی مثل‌ها به دشواری مخارج ازدواج (برادر زن می‌خواهد نمی‌داند که زن زر می‌خواهد) و برخی به آسانی ازدواج اما دشواری پس از آن اشاره دارند (زن گرفتن آسان است ولی در دسر زن زیاد است). اداره خانواده شامل دو مؤلفه تکلیف تأمین معاش (مرد چسبک قی دیوال با ولی پنجه ای نو بیاره) و دشواری تأمین معاش می‌شود (که مرد از برای زنان است و زن، فزون تر ز مردش بود خواستن).

امکانات شوهری چهارمین مؤلفه شوهری و شامل امکان و فرصت ازدواج مجدد و امکان و فرصت طلاق است. امکان و فرصت ازدواج مجدد شامل امکان (پول که زیاد شد خانه تنگ می‌شود و زنت زشت)، پیامد (آدم دو زنه مثل تنه درخت از دو طرف می‌سوزه) و نسبت با همسر اول که شامل وضعیت حضور (زن اول به تو حرمت گذارد، زن دوم دمار از تو برآرد) و وفات (دختر به زن مرده بده اما به زن طلاق داده هیچی نده) است.

امکان دوم طلاق به عنوان حق انحصاری مردان عبارت است از: امکان طلاق یک طرفه (همسایه بد را وقت کوچ رها کن، زن بد را طلاق بده و اسب بد را بفروش)، ناتوانی در استفاده از آن (زن که کفش تنگ نیست که بشود بیرون انداخت) و پیامد طلاق است (زن طلاق داده هرزه است).

پنجمین و آخرین مؤلفه شوهری مسئولیت تربیت زنان است. این مؤلفه شامل دو بخش نحوه برخورد با زنان و اجازه خشونت نسبت به آنان است. نحوه برخورد شامل حفظ برتری شوهر (زن بنشیند مرد پا شود)، تعیین میزان صمیمیت (به زن نخند که پوزه‌ات می‌شناسد و ریشست وجب می‌کند) و تعیین جایگاه شوهرانگی است (زن فقط باید دستور شوهرش را اجرا کند).

اجازه تأدیب و تربیت زنان دارای سه زیرمفهوم است: مجوز خشونت، دلیل خشونت و نحوه خشونت. مجوز خشونت مردان باور عامه‌ای است که زنان هرچقدر خوب باشند برای تربیت نیازمند خشونت هستند (زن خوب روزی دو دست کتک می‌خواهد تا زن بد حساب کار خودش را بکند). دلیل خشونت می‌تواند بیرون رفتن (زن چو بیرون رود بزنی سختش، رخ‌نمایی کند بکن رختش)، خودنمایی، سرکشی (مزن زن را ولی گر برستیزد / چنانش زن که هرگز برنخیزد) و طبیعت زنانگی (زن چو مار است زخم خود بزنی برش نیک زن که بد بزنی) باشد. و در نهایت به نحوه خشونت شامل خشونت فیزیکی (مذهب زن چماق است). علی‌رغم این توصیه‌ها در برخی مثل‌ها به مردان توصیه شده که به آرامی با زنان برخورد کنند (زن رو فقط باید با شاخه گل کتک زد؛ آدم که دست رو زن بلند نمی‌کنه).

بعد دیگر جنس مذکر نقش‌های واسطه‌ای شامل پسر، برادر، دایی، عمو و داماد است. در ادبیات عامه فرزند مذکر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گاهی اهمیت پسر برای پدر (ز صد هزار پسر همچو ماه مصر یکی / چنان شود که چراغ پدر کند روشن) و مادر (زنی که پسر نداره یه کچه قیمت نداره) لحاظ شده و گاه تفاوت پسر با دختر (آبم و گابم و نوبت آسیابم، زنم هم پسر زاییده است) و ناپسری (چغندر گوشت می‌شود ناپسری پسر نمی‌شود) و گاه اهمیت شباهت پیروی پسر از پدر (آن قدر دل‌ها خون شود تا یک پسر شود مثل پدر) به چشم می‌خورد.

دومین نقش واسطه‌ای برادری با اشاراتی است مانند: نشانگر خواهر (دختر که نکوست از برارش پیداست)، حمایتگر (برادری از غصه برادری صد چهل من نمک خورد و مرد) و تکیه‌گاه بودن (برادر بی برادر لنگه بارش افتاده است).

سومین نقش واسطه‌ای دایی و عمو است که به‌عنوان مذکر سببی حامی هستند و به‌دلیل ارتباط فیزیولوژیک می‌توانند حامی خوبی برای فرد باشند (دو سوم پسر به دایی‌اش می‌رود؛ بچه حلال‌زاده به عمو می‌رود).

چهارمین نقش واسطه‌ای داماد بودن در مفهوم مذکر تحمیلی است: فردی که در خانواده عنصر خواستنی و ارادی نیست، اما به جهت نیاز دختر خانواده به ازدواج و دریافت تأیید اجتماعی گزیزی از پذیرش او نیست (شاخ گاوی بدتر از داماد نیست؛ جگر عسل نمی‌شود، داماد هم پسر نمی‌شود).

۶. نتیجه‌گیری

مؤلفه‌های مردانگی مستخرج از تحلیل محتوای مثل‌های جنسیتی با جهت مردانه، در انواعی از انتسابات و صفات معنا پیدا کرد. مؤلفه‌ها به دو دسته کلی خصوصیات کلی و خصوصیات نقشی خانوادگی تقسیم شد. خصوصیات کلی شامل خصوصیتی است که یا مستقیماً به مردانگی مرتبط است یا خصوصیتی است که مردان از آن منع شده‌اند. خصوصیتی که مستقیماً به مردانگی مرتبط هستند شامل خصوصیات ظاهری است که مردان با آن شناخته می‌شوند. کفایت جنس (۵ مثل) و همچنین خصوصیات درونی مثبت (۴۷ مثل) و منفی (۲۲ مثل) که مردان باید دارا باشند یا داشتن آن‌ها برای مردان امتیاز منفی محسوب می‌شود. خصوصیات ممنوع مردان نیز شامل دو دسته خصوصیات نامناسب با مردانگی و خصوصیات زنانه‌ای است که داشتن آن‌ها برای مردان ممنوع است (۱۳ مثل). خصوصیات نقشی و خانوادگی مردان شامل دو دسته نقش‌های محوری مردان و پسر (۲۸ مثل)، برادر (۲۱ مثل)، دایی (۱۰ مثل)، عمو (۹ مثل) و داماد (۱۵ مثل) نقش‌های واسطه‌ای مردان

است که در مثل‌ها به آن اشاره شده و برای آنان خصوصیتی ذکر شده است. خصوصیات مربوط به نقش‌های محوری و نقش‌های واسطه‌ای است. پدر و شوهر (پدر ۸ و شوهر ۲۸۷ مثل). در مجموع این مؤلفه‌های مردانه مستخرج از مثل‌ها به محوریت مردان در اموری اشاره دارد که به نحو اساسی به زنان گره خورده است. گره خوردن مردان به زنان، هم برای آنان حیاتی است و هم برای زنان؛ مردان بدون زنان از منظر اجتماعی کامل نیستند و زنان با تعریف و معیارهای مطلوبیت مردانه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. چنین سامان هویتی این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا این صفات، صفات اصلی، اصیل، طبیعی و ذاتی مردان است یا به جهت مواجهه، مقابله و جدانگاری از زنان به این صفات منتسب شده‌اند.

درب‌گیری تقابل میان زنان و مردان در مثل‌های بررسی شده از صفات ظاهری (زشتی مرد) تا صفات درونی مثبتی است (رازداری و سرنگه‌داری) که صفت مقابل و منفی آن به زنان (زیبایی و قابل اعتماد نبودن) مرتبط می‌شود. این امر به دو نکته راجع است. نخست آنکه مطابق آنچه در چارچوب مفهومی آمد، مردانگی مفهومی ارتباطی (در ارتباط با زنان) و سامانه‌ای در تقابل با زنان (صفات غیرزنانه) است. چنین سامان هویتی‌ای این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا این صفات، صفات اصلی، اصیل، طبیعی و ذاتی مردان است یا به جهت مواجهه، مقابله و جدانگاری از زنان به این صفات منتسب شده‌اند.

این شائبه زمانی جدی‌تر مطرح می‌شود که به بررسی مواجهه مردان در نقش‌های مرتبط با زنان به‌ویژه نقش شوهری پرداخته می‌شود. در این بخش صفاتی به مردان منتسب شده است که با آموزه‌های دینی و اخلاق انسانی سازگاری ندارد: اجازه خشونت به زنان و زیرمقوله‌های آن شامل نیاز زنان به تأدیب و دلایل و جواز خشونت جسمی با آنان.

این مجموعه متناقض در تعریف مردانگی که به مؤلفه مرکزی مردانگی به‌مثابه امر متناقض انجامیده است به وضعیتی غیرروشن از مردانگی اشاره دارد؛ به آن معنا که مشخص نیست از چه زمانی مردان به این صفات متصف شده‌اند و آیا زمانی بوده است که مردان رفتار متفاوتی با زنان داشته باشند. این امر از آن جهت اهمیت دارد که در گزارش‌های تاریخی در برخی دوره‌ها مانند دوره تیموریان، سخن از رفتار مناسب با زنان در جامعه ایرانی ارائه می‌شود (Bayani, 2003; Mohammadi, 2018)، اما این رفتارها ادامه‌دار نبوده و غالباً مردان رفتار مشابهی در فرودست انگاشتن زنان به نمایش گذاشته‌اند.

وجه دوم مردانگی به عنوان امر متناقض، تقابل میان نیاز مردان به زنان برای تکمیل هویت مردانه و اصرار بر تخالف هویتی‌شان با زنان است. به نظر می‌رسد در رویه مطالعه‌نشده‌ای تفاوت میان زن و مرد تبدیل به تقابل میان آنان شده و برای آن شواهد متعددی نیز ارائه شده است.^۱

مسئله مهم دیگر و به عنوان پیامد مردانگی به عنوان امر متناقض، به قراردادن زنان در قالب زنانگی با تعریف و تأیید مردان است. زنان در چنین شرایطی به نحوی تربیت می‌شوند که مردان آنان را تعریف می‌کنند: ناقص‌العقل، شرور، مکار، نادان و... در این وضعیت رفتار متفاوت زنان در تعریف خود، نقش‌های زنانه و هویت‌های خانوادگی را انحراف معیار از تصویر زنانگی، مجهول‌الیهیه و به نوعی رقیب خود تلقی می‌کنند؛ مثال این وضعیت در به رسمیت نشناختن تغییرات مفید و مؤثر زنان در فعالیت‌های خارج از خانواده و تلاش آن‌ها برای مشارکت در مدیریت و اداره خانواده دیده می‌شود. اگرچه برخی رفتارهای هیجانی زنان ناشی از عدم آشنایی با ادبیات تغییر تدریجی، خانواده و مردان را به چالش کشیده است، این رفتارها به معنای بی‌اعتباری تمامی حوزه‌های تغییر زنانه نیست. مقاومت مردان در پذیرش تغییرات زنان، ناشی از تثبیت تصویر مردانگی و زن مورد انتظار آنان است؛ تصویری که به عنوان معیار مردانگی و زنانگی پذیرفته شده است. نتایج این پژوهش می‌تواند مقدمه‌ای برای مقایسه مؤلفه‌های مردانگی در متون معتبر دینی و اخلاقی قرار گیرد تا مشخص شود مردانگی تجویزی فرهنگی در کدام حوزه‌ها و به چه میزان با مؤلفه‌های مستخرج از این متون نزدیکی یا دوری دارد تا بتوان به نسخه مطلوب مردانگی اسلامی-ایرانی در جامعه امروز دست یافت.

۷. تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

- Amin al-Ra'aya, P., Sharifi, Sh., & Eliasi, M. (2014). Investigating the Attributes Ascribed to Women in Persian Proverbs. *Research in Persian Language and Literature*, 34, 1-10. (In Persian)
- Arab Khorasani, S. (2021). Interaction of Gender and Family: Gender Understanding of Family Formation and Dissolution. *Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences*, 16(2), 212-177. <https://doi.org/10.22067/jss.v16i2.83283> (In Persian)

۱. ر.ک: تمامی کتبی که در رویکرد طبیعی و ذاتی به تفاوت میان زنان و مردان و زنانگی و مردانگی پرداخته‌اند.

- Asghari Khaneghah, A., & Pournaghi, R. (2016). *Social Studies and Research in Iran*, 5(2), 319-344. <https://doi.org/10.22059/jisr.2016.59245> (In Persian)
- Bagheri, B., & Bagheri, F. (2012). Women in Persian Proverbs. *Iranian Journal of Anthropology*, 10(16), 29-52. (In Persian)
- Barzegar, M. (2010). Analysis and Study of the Status of Women in Persian Proverbs (Based on the Proverbs and Maxims of Dehkhoda). *Bu-Ali Sina University, Faculty of Literature and Humanities*. (In Persian)
- Boyd, Stephen Blake; Longwood, W. Merle & Muesse, Mark William. (1996). *Redeeming Men: Religion and Masculinities*, Westminster John Knox Press.
- Catanzaro, M. (1988). *Using qualitative analytical techniques, Nursing research: Theory and Practice*, Eds N. F. Woods & M. Catanzaro, St. Louis, Mo: V. Mosby, 437-456.
- Cheraghi, M., & Ebrahimi, M. (2020) Iranian's assumptions and standards about marriage and marital relationships: Qualitative analysis of Iranian proverbs. *Journal of Family Research*, 16(63). (In Persian)
- Connell, R. W. (2005). *Masculinity* (2nd Ed.). Polity Press.
- Donovan, J. (2018). *Feminist theory: The intellectual traditions*. Translated by: F. Rajabi. Cheshmeh Publication. (In Persian)
- Ershadian, M. (2016). *Sociological Study of Gender Roles with Emphasis on Popular Culture and Proverbs, Babol city as a case study*. Mazandaran University, Faculty of Humanities and Social sciences. (In Persian)
- Ezati, Z. (2016). *Gender Ideology in Persian, Turkish, and Gilaki Languages with a Focus on Women in Proverbs of These Three Linguistic Varieties*. University of Guilan, Faculty of Literature and Humanities. (In Persian)
- Gardiner, J. K. (2002). *Men, masculinities and feminist theory*. Columbia University Press.
- Ghasemi, V., Arab Khorasani, S., & Rabani Khorasgani, A. (2019). The intersection of gender and family: Men's understanding of marriage and separation. *Woman and Family Studies*, 8(1), 113-156. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2020.23930.1975> (In Persian)

- Ghobadi, A. R., & Heydary, A. H. (2020). Constructing and representing gender identities in Laki's proverbs. *Iranian Journal of Anthropological Research*, 10(2), 35-53. <https://doi.org/10.22059/ijar.2021.291691.459562> (In Persian)
- Giddens, A. (2007). *Sociology* (17th Ed.). Translated by: M. Saboori. Tehran: Ney. (In Persian)
- Heydari, A., Ebtakari, M. H., & Moghaddasi, A. (2017). Exploring the concept of woman in Luri Proverbs with emphasis on gender inequality dimension. *Culture and General Literature*, 5(17), 195-221. (In Persian)
- Hill Collins, P. (2015). *It's all in the family: Intersections of Gender, Race* (1st Ed.). Tehran: Shirazeh. (In Persian)
- Jamshidieha, Gh., Sadeghi Fasaei, S., & Loola Avar, M. (2013). Sociocultural Perspective on the Influence of Modern Culture from a Gender Perspective on Family Changes in Tehran. *Women in Culture and Art Journal*, 2, 183-198. <https://doi.org/10.22059/jwica.2013.35100> (In Persian)
- Karimi, J., Gholipour, S., & Eilmaradi, Z. (2020). Representation of women's identity in Laki proverbs. *Sociology of Culture and Art*, 2(4), 65-88. (In Persian)
- Kimmel, M., Hean, J., & Connell, R. W. (2005). *Handbook of studies on men & masculinities*. Sage Publications.
- Larson, J. H., & Holman, T. B. (1994). Premarital predictors of marital quality and stability. *Family Relations*, 228-237. <https://psycnet.apa.org/doi/10.2307/585327>
- Masoomi, M., & Rahiminejad, V. (2012). Women and gender proverbs. *Journal of Persian Language and Literature*, 4(11), 136-157. (In Persian)
- Mihan Doust, M. (2001). *General Research on Public Culture*. Tehran: Toos. (In Persian)
- Mohammadi, L. (2018) *Women of The Timurid Dynasty*. Qom: Research Institute of Hawzah and University. (In Persian)
- Mohammadpur, A., Karimi, J., & Maarooftpur, N. (2012). An interpretative study of women representation in Kurdish proverbs (A case study of Surani & Mokeriani Sub-language). *Journal of Woman in Culture and Arts*, 4(3), 65-83. <https://doi.org/10.22059/jwica.2012.28512> (In Persian)

- Mokhatab, M. (2006). *Identification and Application of Persian Proverbs Related to Family Education Principles: A Research Proposal*. Tehran Research Institute of Education, Ministry of Education, Department of Parents and Educators (Family). (In Persian)
- Rezaee, H., & Zaheri Abdevand, E. (2015). The Place of Family and Woman in Bakhtiari Proverbs. *Popular Culture and Literature*, 3(6), 21-43. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23454466.1394.3.6.1.1> (In Persian)
- Segalen, M. (2009). *Sociology de la famille* (5th Ed.). Translated by: H. Eliasi. Tehran: Markaz. (In Persian)
- Zandi, B., & Abasi, B. (2016). The representation of kinship relationships in Persian proverbs. *Popular Culture and Literature*, 3(6), 23-60. (In Persian)
- Zolfaghari, H. (2012). Family and Family Relations in Persian Proverbs. *Culture of Iranian People*, 31, 137-154. (In Persian)

